

عوامل تحکیم و استحکام خانواده

اعظم نوری*

چکیده

خانواده مناسب‌ترین جایگاه برای تأمین نیازهای انسان و بهترین بستر برای تأمین امنیت و آرامش روانی است. با این حال، در عصر کنونی، نظام خانواده دچار مشکلات و چالش‌هایی شده است که کم‌کم آن را به سستی و تزلزل می‌کشاند. مهم‌ترین عامل تحکیم و ثبات یا تزلزل و فروپاشی خانواده، چگونگی رابطه‌ها و داد و ستد عاطفی میان اعضای خانواده، به ویژه زن و شوهر، است. عوامل مختلفی در تحکیم یا تزلزل آن نقش دارند که می‌توان به طور کلی آنها را به عوامل فردی و اجتماعی تقسیم کرد و با توجه به اهمیت هر کدام از آنها، نمی‌توان هر یک را به تنهایی در این مسیر کافی دانست. این نوشتار در پی آن است تا با بیان هر کدام از این عوامل، راهی برای رشد و ثبات خانواده از طریق معرفی باورها، اخلاقیات و سنت‌های فرهنگی و دینی بنمایاند.

واژگان کلیدی: خانواده، تحکیم، اسلام، زن و شوهر.

مقدمه

امروزه، یکی از مباحث مهم جامعه‌شناسی، توجه به دوام یا فروپاشی خانواده می‌باشد. با وجود دگرگونی‌های فراوان در عصر صنعتی شدن و اصالت یافتن فردگرایی و لذت‌گرایی، نخستین و مهم‌ترین نهادی که تحت تأثیر قرار گرفته، خانواده است که در روند توسعه و جهانی شدن دچار تحولات جدی گردیده است. در بعضی جوامع، نه تنها کارکردهای خانواده، بلکه اصل و تمامیت آن با جایگزین‌های احتمالی و انحرافی مانند زندگی مشترک بدون ازدواج یا همزیستی دو همجنس و خانواده‌ی تک‌والدی به چالش کشیده شده است، به گونه‌ای که نشانه‌های جدی از هم پاشیدگی این کانون دیرپای اجتماعات بشری در بسیاری از جوامع صنعتی ظاهر شده است. این امر نگرانی‌هایی در پژوهشگران و جامعه‌شناسان به وجود آورده است و آنان، همواره، در پی یافتن پاسخی برای این پرسش هستند که کودکان فردا در نبود خانواده‌ها چگونه و در کجا زندگی را آغاز کرده، به آن ادامه خواهند داد.

نظریات فمینیست‌های افراطی در این زمینه آینده‌ای بسیار نگران‌کننده و ضدبشری ترسیم می‌کند، مانند فروپاشی کامل خانواده، به عنوان تنها راه نجات زنان از مردسالاری و سپردن کودکان به مهدکودک‌ها و حتی در مرحله‌ی بالاتر، تولید کودکان آزمایشگاهی و پرورش آنها بدون دخالت نقش مادری.^۱ البته با وجود تغییرات ارزشی و پیدایش نهادهای بدیل خانواده، هر چند شاهد افزایش بی‌سابقه‌ی میزان طلاق هستیم، ولی همچنان خانواده به حیات خود ادامه می‌دهد. حتی در جوامع غربی، هیچ یک از الگوهای جدید زندگی، که کارکردهای اصلی خانواده مانند ارضای نیازهای جنسی و مراقبت از فرزندان را برعهده گرفته‌اند، هنوز از اقبال و پذیرش عمومی برخوردار نیستند. در جوامع اسلامی نیز با این که پاره‌ای از تغییرات را در نظام ارزشی خانواده‌ها

۱. بستان، حسین، نابرابری جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم، ص ۱۰۸.



می‌بینیم، ولی کماکان بر حفظ خانواده‌ی طبیعی و استمرار آن تأکید می‌شود. با این حال، نمی‌توان چشم‌پوشی کرد که «هیچ عصری مانند عصر ما، خطر انحلال کانون خانواده و عوارض منفی ناشی از آن را مورد توجه قرار نداده است و در هیچ عصری مانند این عصر، بشر عملاً دچار این خطر و آثار سوء ناشی از آن نبوده است»^۱. خانواده، رکن اساسی جامعه‌ی انسانی است و بی‌شک با سستی روابط و گسست آن، جامعه نمی‌تواند به رشد و پویایی دست یابد، زیرا «هیچ پدیده‌ی انحرافی در جامعه، بدون در نظر گرفتن میزان طلاق و ثبات خانواده‌ها مطرح نمی‌گردد»^۲ و در صورت نبود یا وجود خلل در آن، هیچ نهاد و سازمانی نمی‌تواند به طور کامل جایگزین آن شود و سهم دولت‌ها در این زمینه، تنها برنامه‌ریزی و ایجاد تسهیلات لازم برای شکل‌گیری درست خانواده و کمک به ثبات استحکام درونی آن است.

تحکیم خانواده از نگاه دین

ادیان الهی - همگی - بر قداست و حرمت نهاد خانواده تأکید می‌کنند و شامل احکام و مقرراتی برای تنظیم روابط خانواده هستند. به همین دلیل، خانواده در اقوام مؤمن، همواره، استوارتر بوده، نظام طلاق و فروپاشی خانواده در آن بسیار کمتر از ملت‌های غیرمؤمن است. اسلام نیز با نظام قانون‌گذاری خاص خود، همواره، سعی در حفظ خانواده و تحکیم ارکان آن بر پایه‌ی اصول اخلاقی و ارزشی دارد، زیرا پیوند زناشویی و ازدواج غریزی می‌باشد و در مرحله‌ی نخست، اقدام به آن، به آموزش و محرک خاص نیاز ندارد، ولی تداوم این پیوند و داشتن روابط درست و پایدار، که به ثبات و دوام خانواده بینجامد، نیازمند آموزش است. حتی نکاتی که در انتخاب همسر و توجه به ویژگی‌های جسمی و اخلاقی و روحی فرد مطرح می‌شود، از این روست.

۱. مطهری، مرتضی، *نظام حقوق زن در اسلام*، ص ۲۲۹.

۲. ساروخانی، باقر، *طلاق پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن*، ص ۱۰۶.



در منطق قرآن، ازدواج، با دیگر روابط انسانی و قراردادهای دیگر فرق دارد و قرآن کریم آن را میثاق غلیظ می‌نامد؛^۱ بنابراین، بخشی از آیات و روایات اسلامی با هدف حفظ خانواده، به تنظیم و تعدیل روابط اعضای خانواده حقوق و وظایف همسران و فرزندان، تلاش برای ایجاد زندگی مشترک آکنده از مهر و صفا و پرهیز از فروپاشی کانون خانواده اختصاص یافته است و اعمالی مانند محبت ورزیدن، مدارای همسران با یکدیگر و رعایت حقوق متقابل و خوش رفتاری و گفتار نیکو با همسر، مقدس برشمرده شده، مؤمنان موظفاند رفتارهای خود را با انگیزه‌ی جلب رضایت الهی و اطاعت از حق کنترل کنند و وظایف خود را در قبال همسر و فرزندانشان به خوبی ادا نمایند. براساس این، می‌توان دین‌داری و تقوا را عامل مهمی در تحکیم خانواده دانست.

در نگرش اسلامی، پرهیزکاران و دین‌داران از اهمیت خانواده و توصیه و تأکید اسلام بر محافظت از آن آگاه هستند و در انجام وظایف دینی و اخلاقی خود در برابر همسر و فرزندان کوتاهی نمی‌کنند و خانواده را جایگاهی برای تأمین نیازهای مادی و اعضا و تحمل مشکلات و سختی‌ها را راهی برای رسیدن به تکامل و سعادت اخروی و جلب رضایت حق می‌دانند؛ در روز پس از ازدواج حضرت زهرا 3، پیامبر اکرم 9 از امیرمؤمنان 7 پرسیدند که همسرت را چگونه یافتی؟ حضرت علی 7 پاسخ دادند: «فاطمه 3 را بهترین یاور در اطاعت و عبادت خداوند یافتم».^۲

ایجاد چنین نگرشی، گامی مهم و اساسی برای حفظ کانون خانواده است و در متون اسلامی مورد توجه قرار گرفته است، به گونه‌ای که تلاش برای حفظ خانواده و هر عملی که در راه آرامش و برقراری آن باشد، از بزرگ‌ترین تکالیف عبادی به شمار می‌رود. پیامبر اکرم 9 در این باره می‌فرمایند: «اکمل المؤمنین ایماً احسنهم خلقاً و خیارکم

۱. نساء: ۲۱.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۷. «نعم العون علی طاعة الله».

لنسائهم^۱؛ کامل ترین مؤمنان از حیث ایمان، خوش رفتارترین آنهاست و شایسته ترین شما آنهاپی هستند که با زن هایشان خوش رفتارترند.» و درباره ی خوش رفتاری زنان نیز فرموده اند: «جهاد المرأة حسن التبعل»^۲.

تبیین مفهومی تحکیم خانواده

پیش از ورود به بحث، لازم است بدانیم که منظور از تحکیم خانواده و حفظ آن چیست؟ بی شک، مقصود از آن، نگه داشتن بنایی با سستی و ناپایداری، آن هم به هر قیمت ممکن نیست. قرار گرفتن اعضای خانواده زیر یک سقف به قیمت ظلم و تعرض به یکی از آنها یا نادیده انگاشتن حقوق آنها یا توصیه و سفارش به گذشت و چشم پوشی بی مورد از خطاهای دیگری و پذیرش ظلم و بی عدالتی به منظور جلوگیری از طلاق و جدایی، هرگز به معنای ثبات و استواری کانون خانواده نیست، زیرا، به یقین، سر پا بودن خانواده با تحکم و ظلم انسانی و تحمل و بردباری دیگری از سر ناچاری و ترس از فروپاشی خانواده، استحکامی در پی نخواهد داشت و اگر در ظاهر پایدار باقی بماند، از درون پوسیده و بی ثبات است و بی شک، نمی تواند ویژگی های خانواده ی سالم و بانشاط را داشته باشد.

نتیجه ی تحکیم خانواده، حاکمیت اصل اعتدال و اخلاق و حفظ حقوق همه ی اعضاست. قوانین اسلام برای تحقق این هدف، پیوسته، همسران را به تمایل و گرایش به محاسن اخلاقی و انجام وظایف فرامی خواند و آنان را از هر گونه رابطه و خواسته های یک جانبه و ظلم و تعدی به دیگری، که سبب تضعیف فضای انس و الفت در خانواده می شود، برحذر می دارد. پس در خانواده ای مستحکم و باثبات، روابط اعضا به گونه ای است که هر دو به یکدیگر یاری می رسانند و یکی از آنها، همواره، خدمت کننده نیست

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۹۹؛ شیخ طوسی، مالی، ص ۳۹۲، المجلس الرابع عشر فیه بقیه أخب.

۲. همان، ج ۵، ص ۵۰۷.

و رابطه‌ی آنها ستمگرانه نمی‌شود و خصلت‌های مردانه و زنانه در کنار ویژگی‌های انسانی، در خدمت تعالی و رشد خانواده و سپس جامعه قرار می‌گیرد. از نظر اسلام، سازگاری زن‌شویی برخاسته از تدین، نقش مهمی در پیش‌گیری از اختلافات و در نتیجه، حفظ بنیان خانواده دارد.

به طور کلی، عواملی که سبب استحکام بنیان خانواده و سلامت روابط اعضای آن می‌شود، به دو بخش فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود. با این حال، پیش از آن لازم است برای ایجاد خانواده‌ای باثبات، زمینه و بستر مناسبی وجود داشته باشد؛ برای نمونه، انگیزه‌ی کافی و آموزش‌های لازم برای این کار در همسران وجود داشته باشد.

بستر سازی مناسب برای ایجاد خانواده‌ی باثبات

در فرهنگ اسلامی، هدف از تشکیل زندگی خانوادگی، رسیدن به تکامل، آرامش و سکینه است. توصیه‌های رفتاری اسلام، حول روابط همسران بر همین اساس می‌باشد. این رهنمودها و سفارش‌ها و تقسیم وظایف زن و شوهر، تنها منحصر به دوران زن‌شویی نیست، بلکه تلاش برای دوام و استحکام زندگی مشترک، پیش از تشکیل آن آغاز می‌شود. جامعه‌پذیری فرزندان در خانواده در مسیر درست خود و برای آماده‌سازی به منظور قبول مسئولیت‌های زندگی مشترک، همچنین نوع نگاه انسان به ازدواج و جنس مخالف و نقش بینش‌های آگاهانه در انتخاب همسر، از اصول زندگی باثبات است که مدت‌ها پیش از ازدواج باید مورد توجه قرار بگیرد. به همین دلیل، پیش از بررسی گستره‌ی وظایف مردان و زنان به منظور تحکیم خانواده، به اختصار، به این اصول می‌پردازیم.

الف. آموزش نقش‌های زن و شوهری به فرزندان:

خانواده، نخستین محل تربیت و آموزش کودکان است. در خانواده، فرزندان می‌توانند



آموزش‌های لازم را از برخوردها و رفتارهای پدر و مادر در برابر یکدیگر و در مقابل خودشان، برای احراز موقعیت همسری در آینده بیاموزند. به همین دلیل، زن و شوهر در روابط و مسائل مختلف زندگی خود باید حضور فرزندان را در نظر بگیرند. چگونگی روابط آنها، الگویی برای روابط بین دو جنس مخالف به کودکان ارائه می‌دهد. کودک از آنان وجوه متفاوت ابراز عواطف، ارتباط با شریک زندگی در حال تنیدگی یا در زمان تعارض را می‌آموزد،^۱ زیرا فرزندان به طور معمول نزدیک‌ترین روابط را با خانواده دارند و مهم‌ترین عامل رشد شناختی، عاطفی و رفتاری آنها، خانواده است. کودکانی که انجام مسئولیت‌ها و وظایف همسری در خانواده آنها معمول باشد، در بزرگسالی برای پذیرش نقش‌های همسری آمادگی بیشتری دارند. این افراد در برخورد با مشکلات ناشی از زندگی مشترک، حساب‌شده و عقلانی رفتار خواهند کرد و از ایفای نقش‌های مورد انتظار سرباز نمی‌زنند. همچنین فراگیری دانش‌ها، مهارت‌های جنسی، آشنایی با تفاوت‌های جنسی میان زن و شوهر و آگاهی از نیازمندی‌های پدر و مادر شدن و داشتن درک درست از الزامات و مسائل زندگی مشترک، نقش مهمی بر هماهنگی و انسجام دایمی خانواده دارد.

پس یکی از وظایف والدین در این باره، آشنا نمودن فرزندان با وظایف و نقش‌های همسری در خانواده است.

ب. نگاه قدسی به ازدواج و توجه به جایگاه خانواده:

یکی از بنیانی‌ترین و ریشه‌دارترین مبانی تحکیم خانواده این است که بینش زن و مرد به خانواده، توحیدی و ایمانی باشد. به عقیده‌ی روان‌شناسان، رفتارهای آدمی ناشی از نگرش‌های اوست. رابطه‌ی نگرش و رفتار در قصص قرآنی نیز به روشنی دیده می‌شود. نگرش ایمانی - مستقیم یا غیرمستقیم - و از طریق حالات روان‌شناختی فرد،



بر رفتارش موثر واقع می‌شود.^۱ با استفاده از همین نگرش‌ها، به ازدواج و حفظ خانواده نگرش‌های ویژه‌ای می‌یابیم.

به اعتقاد صاحب‌نظران، یکی از عوامل مهم سقوط جایگاه خانواده در غرب و جوامع متأثر از فرهنگ غربی، فرایند عمومی «دنیوی شدن» یا «تقدس زدایی» بوده که علاوه بر دیگر حوزه‌های حیات اجتماعی، خانواده را نیز تحت تأثیر قرار داده است.^۲

نگرش ایمانی به ازدواج، سبب قداست و حرمت آن می‌شود. با توجه به متون اسلامی، می‌توان گفت که اسلام کوشیده است نگاه قدسی به ازدواج را در جوامع گسترش دهد. نمونه‌های زیر می‌تواند رویکرد معنوی و قدسی اسلام به ازدواج و خانواده را منعکس کند:

پیامبر گرامی اسلام ^۹ می‌فرمایند: «ازدواج سنت من است. پس هر کس از سنت من رویگردان باشد، از من نیست».^۳ همچنین می‌فرمایند:

نزد خداوند هیچ چیز از خانه‌ای که به واسطه‌ی ازدواج آباد می‌شود، محبوب‌تر نیست و در نزد خداوند هیچ چیز از خانه‌ای که به واسطه‌ی طلاق از هم می‌یاشد، مبغوض‌تر نیست.^۴

امام صادق 7 نیز فرمودند: «دو رکعت نماز شخص متأهل بیش از هفتاد رکعت نماز شخص مجرد فضیلت و ارزش دارد».^۵

همچنین روایاتی وجود دارد که انجام مسئولیت‌های خانوادگی را عبادت مطرح می‌کند. اینها گامی برای ارزشمندی خانواده در نظر مردم می‌باشد تا آسیب‌های احتمالی پیوند زناشویی کاهش یابد و در نتیجه، تثبیت و استحکام آن بیشتر شود.

۱. آذربایجانی و دیگران، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع دینی، ص ۱۶۱.
۲. بستان، حسین، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۷۸.
۳. بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰. «النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی»
۴. حر عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۶. «ما من شیء احب الی الله عزوجل من بیت یعمر فی الاسلام بالنکاح و ما من شیء ابغض الی الله عزوجل یحرب فی الاسلام بالفرقه یعنی الطلاق».
۵. همان، ص ۱۸. «قال أبو عبد الله 7 رکعتان یصلیهما المتزوج افضل من سبعین رکعة یصلیهما أعزب».

در نگرش اسلامی، خانواده، تنها همزیستی چند نفر زیر یک سقف نیست، بلکه اسلام می‌کوشد مفهوم خانواده را در قالب نظامی جامع و در مسیر کمال گسترش دهد. با ایجاد این دیدگاه، انسان‌ها برای رسیدن به فضیلت در این کانون بهتر می‌توانند حقوق و وظایف خود را بیاموزند. خداوند در آیه‌ی ۷۴ فرقان می‌فرماید:

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ
وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا؛ و کسانی که می‌گویند پروردگارا به ما از
همسران و فرزندانمان آن ده که مایه‌ی روشنی چشمان ما باشد و ما را
پیشوای پرهیزکاران گردان.

قرآن کریم در این آیه به توجه ویژه‌ی مومنان به خانواده و فرزندان اشاره می‌کند. بر طبق این آیه، مؤمنان واقعی خانواده‌ی خود را مورد توجه قرار می‌دهند و برای آنها دعا می‌کنند.

«بدیهی است که منظور این نیست که تنها در گوشه‌ای بنشینند و دعا کنند، بلکه دعا دلیل شوق و عشق و درونی‌شان به این امر است و رمز تلاش و کوشش. مسلماً چنین افرادی آنچه در توان دارند، در تربیت فرزندان و همسران و آشنایی آنها با اصول و فروع اسلام و راه‌های حق و عدالت فروگذار نمی‌کنند...»^۱

ج. توجه به معیارهای دینی در تشکیل خانواده:

یکی از مهم‌ترین عوامل پایداری زندگی زناشویی، همسانی زن و مرد در ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی است. در انتخاب همسر، توجه به اصل همانندی زن و شوهر، که در متون اسلامی تحت عنوان «کفویت» مطرح شده است و در متون جامعه‌شناسی به آن همسان همسری می‌گویند، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. کفویت و همسانی در امور مختلفی می‌باشد، از جمله همتایی ایمانی، فکری و فرهنگی، همتایی در تحصیلات

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ذیل آیه‌ی ۷۴ سوره‌ی فرقان.

و علم، تناسب سنی، مالی و اجتماعی. مهم این است که مفهوم کفو، نسبی است، بدین معنا که دارای مراتب متعدد است؛ مثلاً ممکن است فردی در مقایسه با همسرش در جنبه‌هایی بالاتر باشد، در حالی که همسرش در جنبه‌های دیگری از او برتر می‌باشد. به طور کلی، از دیدگاه اسلام، اساسی‌ترین رکن همانندی زن و مرد، تشابه ایمانی و اعتقادی آنها می‌باشد؛ از این رو، در روایات آمده است: «المؤمن کفو المؤمنة»^۱ مرد مؤمن، کفو زن مؤمن است.

در روایت دیگری آمده است که اگر حضرت علی 7 نبود، برای حضرت زهرا 3 در میان انسان‌ها همانندی یافت نمی‌شد.^۲ این نکته نشان می‌دهد که در همانندی، بیش از هر چیز، باید به مراتب ایمان افراد توجه شود. در زمان پیامبر اکرم 9، ازدواج‌های موفق بین افراد متعلق به دو طبقه‌ی اجتماعی یا دو گروه نژادی متفاوت صورت می‌گرفت که به علت سنخیت و همانندی آنها در ایمان و اعتقادات، زندگی خانوادگی سعادت‌مندان‌های برای زن و مرد به همراه داشت، مانند داستان جوان سیاه‌پوست، زشت‌قیافه، غریب و تهیدستی به نام «جوایر» که به سفارش و وساطت پیامبر گرامی اسلام 9، با «دلفاء»، دختر زیباروی «زیادبن لبید»، یکی از اشراف مشهور مدینه ازدواج کرد؛ ازدواج «مقداد»، غلام آزاد شده، با «ضباعه»، دختر عموی پیامبر 9 که به خواست و تأکید حضرت 9 صورت گرفت و ازدواج امام سجاد 7 با کنیز آزادشده‌ی خود که نام‌های سرزنش‌آمیز خلیفه‌ی وقت و واکنش تند حضرت 7 را در پی داشت، نمونه‌هایی از اهتمام اسلام به معرفی و جایگزینی الگوی معین برای همسان همسری را نشان می‌دهد.^۳



۱. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۶۸.

۲. همان، ص ۷۴. «لولا ان الله خلق فاطمه 3 لعلی ما كان لها علی وجه الارض کفو آدم فمن دونه».

۳. همان، ص ۶۸-۷۴.

مسئولیت‌های متقابل زن و شوهر در استحکام خانواده

اساس تشکیل خانواده، پیوند دو زوج با جنسیت‌های مخالف می‌باشد که همانندی و تشابهات میان آن دو، آنها را به ازدواج و زندگی مشترک برانگیخته است. برای دوام و پایداری این رابطه، هر یک از آنها وظایفی به دوش دارند که عمل به آنها می‌تواند سعادت و ثبات رابطه‌ی زناشویی را تضمین نماید. برای رسیدن به این هدف، ابتدا لازم است موقعیت و جایگاه هر یک از اعضای خانواده به درستی مشخص شود و هر کدام از آنها بپذیرد که نسبت به دیگری حقوقی دارد و در قبال آن باید وظایفی متعهد شود. در نظام خانواده نمی‌توان همه‌ی مسئولیت‌ها را به دوش یک نفر قرار داد. قوانین اسلام وظیفه‌ی حفظ کانون خانواده را برعهده‌ی هر دو قرار می‌دهد و هر دو را به یک اندازه مسئول می‌شناسد. در صورت رعایت این موازنه، انتظارات افراد از یکدیگر برحسب نقش‌ها تعدیل می‌شود، ولی با وجود مسئولیت مشترک زن و مرد در حفظ بنیان خانواده، نمی‌توان تفاوت‌های ذاتی، جنسی، روحی و جسمی آنها را در برعهده گرفتن مسئولیت‌ها و انجام وظایف نادیده انگاشت. به همین دلیل، بعضی از حقوق و وظایف مشترک است، مانند رعایت اصل حاکمیت مودت و رحمت در خانواده و احترام متقابل و ادب، آراستگی، برخورد خوش و تکریم شخصیت همسر و حسن معاشرت طرفین نسبت به یکدیگر. بعضی دیگر هم فقط برعهده‌ی زن است، مانند تمکین و اطاعت زن در امور زناشویی و کسب اذن در خروج از منزل. برخی از آنها نیز از وظایف اختصاصی مرد به شمار می‌آید، مانند تأمین مخارج زندگی (خوراک و پوشاک و مسکن و حق مضاجعت).

کوتاهی و تخلف هر یک از همسران درباره‌ی وظایف خویش، به معنای نشوز و خروج از عدالت و مخالفت با اصل کرامت انسانی است. بر اساس این، با تحقق زندگی مشترک، طرفین به انجام وظایف همسری و رعایت حقوق یکدیگر موظف هستند،

چنانچه در ماده‌ی ۱۱۰۲ قانون مدنی آمده است: «همین که نکاح به طور صحت واقع شد، روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می‌شود»^۱.

عوامل فردی تحکیم خانواده

۱. بینش و آگاهی:

پیش از هر چیز، سلامت و استحکام خانواده، در گرو برخورداری اعضا از بصیرت و بینش اجتماعی و نیز آگاهی‌های لازم برای سازندگی و پیش‌گیری از اختلافات و تضادهاست. بی‌تردید، خانواده‌ی لجام‌گسیخته، محصول ناآگاهی اعضای آن از اهمیت خانواده و نقش آن در سرنوشت افراد آن است. ناآگاهی در این زمینه سبب می‌شود همسران تلاش لازم را برای حفظ زندگی مشترک نداشته باشند. در این صورت، عواملی همچون غرورهای کاذب، توقع‌های نابجا، نداری، خودپسندی، بدگمانی و بی‌توجهی به موقعیت همسر، به زودی، بنیان خانواده را متزلزل می‌کند و چون انگیزه‌ی لازم برای تداوم و پاسداری از آن وجود ندارد، راهی جز طلاق و جدایی باقی نمی‌ماند، در حالی که ریشه‌ی بسیاری از مشکلات خانوادگی، در نشناختن وظایف و راه‌های برقراری رابطه و روش حل مسائل است.

خوشبختانه و البته برخلاف تصور موجود، دین آموزه‌های فراوانی در حوزه‌ی مهارت‌های زندگی دارد؛ آموزه‌هایی دیده یا به درستی فهمیده نشده‌اند. به دلیل جایگاه مهمی که خانواده و رضامندی از زندگی در تکامل معنوی انسان دارد، اولیای دین آموزه‌های فراوانی به پیروان خود آموخته‌اند. مهارت‌های زندگی شامل مجموعه‌ای از توانایی‌ها هستند که قدرت سازگاری و رفتار مثبت و کارآمد را افزایش می‌دهند. در نتیجه، شخص در زندگی مشترک قادر می‌شود بدون این که به خود یا طرف مقابل

۱. قانون مدنی، ماده‌ی ۱۱۰۲.



صدمه بزند، مسئولیت‌های مربوط به نقش خانوادگی خود را بپذیرد و با چالش‌ها و مشکلات روزانه‌ی زندگی به شکلی مؤثر روبه‌رو شود.

۲. تأمین نیازهای عاطفی:

مهر ورزیدن و محبت دیدن، از نیازهایی است که می‌توان تجلی آن را به صورت‌های گوناگون در همه‌ی انسان‌ها دید. تأمین نیاز عاطفی، یکی از اهداف مهم روابط زن و شوهر می‌باشد و پس از ازدواج تجلی می‌یابد. قرآن کریم در آیات متعددی به این واقعیت اشاره می‌کند.

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ
بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ^۱

از نشانه‌های خداوند این است که از نوع خودتان، همسرانی برای شما

آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و میانتان دوستی و رحمت نهاد.

برقراری رابطه‌ی محبت‌آمیز و عاطفی میان زن و شوهر، مبتنی بر دو عامل است: نخست، تشابه آنان در جنبه‌های روانی و جسمانی و دوم، تفاوت‌های جسمانی و روانی آنها که به ساختارهای فیزیکی بدن آنها بازمی‌گردد. این تفاوت‌ها موجب کشش و تمایل زن و مرد به یکدیگر می‌شود، زیرا تشابه و مکمل بودن نیازها، دو عامل مهم در جاذبه‌ی انسان‌هاست. بیشتر مفسران از جمله علامه طباطبایی در تفسیر المیزان و زمخشری در تفسیر کشاف، به این دو عامل مهم در رابطه‌ی آرامش‌بخش زن و شوهر تصریح کرده‌اند.^۲

ارضای نیازهای عاطفی و آرامش حاصل از آن می‌تواند حلال بسیاری از مشکلات، حتی مسائلی که بیرون از چارچوب خانواده هستند، باشد. مردان و زنان بسیاری به

۱. روم: ۲۱.

۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۱۶۶؛ زمخشری، کشاف، ج ۳، ص ۴۷۲.



دلیل روابط سالم و صمیمی‌ای که در خانواده با همسر خود دارند، هر زمان که گرفتار غم و اندوه می‌شوند، در کنار همسر خود به آرامش می‌رسند. زندگی فاطمه‌ی زهرا 3 و علی 7، نمونه‌ای از این خانواده‌هاست که با وجود بیشترین مشکلات و سختی‌هایی که در جامعه بر آنها وارد می‌شد، در خانه زیباترین و آرامش‌بخش‌ترین رابطه را داشتند. امام علی 7 می‌فرمودند: «هرگاه به خانه می‌آمدم و به چهره‌ی فاطمه 3 می‌نگریستم، تمام غم و اندوهم برطرف می‌شد»^۱.

قرآن کریم در توصیف رابطه‌ی زن و شوهر در خانواده، از کنایه‌ی زیبایی استفاده و آنها را لباسی برای یکدیگر معرفی می‌نماید: «هنّ لباس لکم و انتم لباس هنّ»^۲. لباس یعنی مایه‌ی آرامش. شب نیز به لباس تشبیه شده است و همان‌گونه که شب آرامش‌بخش است، روابط زن و شوهر نیز آرامش‌بخش می‌باشد.^۳ بیان این نکته ضروری است که هر رابطه‌ی سالم و زیبا، نیازمند حفاظت و مراقبت است، به این معنا که ارضای نیازهای عاطفی زن و مرد با هم فرق دارد؟ برای نمونه، روابط کلامی محبت‌آمیز برای زنان در مقایسه با مردان، از اهمیت بیشتری برخوردار است. به همین دلیل، به مردان توصیه شده است محبت و علاقه‌ی خود را به آنها ابراز کنند.^۴ در مقابل، مردان بیشتر به سپاس‌گزاری و قدرشناسی ارزش می‌دهند، پس زنان نیز باید قدردان زحمات همسر باشند و هرگز سخنانی که بوی ناسپاسی می‌دهد، بر زبان نیاورند.

به طور کلی، گفتن جملاتی که نشان‌دهنده‌ی محبت همسران به یکدیگر است، نه تنها در رفع بسیاری از اختلافات و سوءتفاهم‌ها مؤثر می‌باشد، بلکه بر علاقه و محبت آنها می‌افزاید. گاهی، برای ابراز محبت همسران به یکدیگر موانعی وجود دارد، مانند این‌که آنان به دلیل غرور بی‌جا، حجب و حیای افراطی یا ناآگاهی، علاقه‌ی قلبی خود

۱. بحار/الانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۴، «و لقد كنت انظر اليها فتكتشف عني الموموم والاحزان».

۲. بقره: ۱۸۷.

۳. طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۵۰۴.

۴. کافی، ج ۵، ص ۵۶۹. «قول الرجل للمرأة اني احبك لا يذهب من قلبه ابدا».

را به همسرشان ابراز نمی‌کنند. این امر باعث سردی روابط در خانواده است، در حالی که این موانع با آموزش مسائل زندگی به جوانانی که در آستانه‌ی ازدواج قرار دارند یا توجه به سیره‌ی بزرگان دین در خانواده، که به همسران خود اظهار علاقه می‌کردند یا با تربیت درست و ارائه الگوهای مناسب رفتاری، برطرف خواهد شد.

انسان تشنه‌ی محبت و مهربانی است و محبت به دیگران، انگیزه‌ی بسیاری از تلاش‌ها و زحمات‌های زندگی می‌باشد. خداوند در آیه‌ی ۲۱ روم «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»، بر نقش مهم محبت در زندگی خانوادگی اشاره می‌کند. خداوند می‌خواهد میان دو همسر، مهر و محبت برقرار باشد و در کنار هم احساس آرامش کنند؛ پس اصل در زندگی خانوادگی، وجود فضایی آرام و محبت‌آمیز است و زن و شوهر باید بکوشند که آرامش در خانواده آرامش حاکم باشد و روز به روز عواطف و محبتشان به هم بیشتر شود،^۱ زیرا نیرومندترین عامل دوام و رشد خانواده، عاطفه و محبت اعضای آن به یکدیگر می‌باشد. البته معنای این محبت متقابل، با مفهوم عشق رومانیک و آتشین، که گاه تنها مبنای ازدواج قرار می‌گیرد، فرق دارد، زیرا پس از مدتی این عشق به مقتضای طبیعت خود رو به زوال می‌رود و از شور و حرارت آن کاسته می‌شود و خانواده به بی‌ثباتی و گسیختگی کشانده خواهد شد. در مقابل، عشق و محبتی که بر زیرساخت‌های متفن و معقول استوار شود و از رؤیایپردازی‌های کودکانه دور باشد، نقش تعیین‌کننده‌ای در استحکام خانواده خواهد داشت. یکی از پژوهشگران در این زمینه می‌نویسد:

در زندگی زناشویی، عشقی سزاوار تقدیر است که آرام و طبیعی رشد کند، حیانتش الفت و انس و توافق خوی و اخلاق و بر و بارش ملایمت و مداومت شیرین و آرام باشد. براساس چنین عشقی، می‌توان زندگی پایداری را شالوده نهاد و خوش و سالم زیست. عشق انفجاری،

همچون تب تندی است که زود عرق می‌کند^۱ (زود فروکش می‌کند).
در زندگی مشترک، زن و شوهر بیش از دیگر افراد به محبت و انتظار آن را نیاز دارند؛
بنابراین، اظهار محبت نیز به صورت عاملی برای افزایش محبت درمی‌آید. امام صادق 7
می‌فرماید:

إِذَا أَحَبَّتِ رَجُلًا فَأَخْبِرْهُ بِذَلِكَ فَإِنَّهُ أَثْبَتَ لِلْمَوَدَّةِ بَيْنَكُمَا^۲

هر گاه کسی را دوست داشتی، او را بدان آگاه ساز، زیرا این کار
دوستی را در میان شما استوارتر می‌سازد.

۳. تأمین نیازهای جنسی:

یکی از اهداف اولیه در ازدواج، تأمین نیازهای جنسی است. نیاز جنسی، کششی
طبیعی و قوی در وجود انسان است که اگر به خوبی و از مسیر درست ارضا شود، به
سلامت جسم، آرامش روان و افزایش پاکی و پارسایی می‌انجامد و افزون بر اینها سبب
ازدیاد محبت و صمیمیت بین زن و شوهر می‌شود؛ از این رو، همسران نه تنها نباید
از این واقعیت غافل شوند، بلکه ضروری است با افزایش آگاهی‌ها و مهارت‌های لازم و
اهمیت دادن به این غریزه‌ی مهم و خدادادی، به رفع لذت‌بخش و سالم آن بپردازند.
گاهی، تلقی این که اطلاعات جنسی و اصل این رفتار، شرم‌آور و زشت است، باعث
می‌شود همسران در ارضای نیازهای خود در این زمینه ناکام بمانند و این امر می‌تواند
منشأ بروز اختلافات در خانواده شود، در حالی که در تعالیم اسلامی دیدگاه مثبتی به
این روابط وجود دارد و حتی رنگ و بوی معنوی و عبادی به خود گرفته است. این امر
در واقع پاسخی مناسب به لذت‌جویی در وجود آدمی است که می‌توان اوج آن را در

۱. کی نیا، مهدی، *مبانی جرم‌شناسی* (۳جلد)، ص ۸۰۹.

۲. *وسائل‌الشیعه*، ج ۱۲، ص ۵۴.



روابط جنسی دانست.^۱ حتی در روایات به توجه انبیا به دوست داشتن زنان و روابط جنسی اشاره شده است.^۲ پیامبر اکرم ﷺ نیز می‌فرمایند: «از دنیای شما عطر و نماز و زنان را دوست می‌دارم».^۳

برآورده شدن نیاز جنسی، حقی دوطرفه است که برای زن و شوهر - هر دو - ایجاد تکلیف می‌کند. مطابق ماده‌ی ۱۱۰۳ قانون مدنی، «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگر هستند». بنابر عرف جامعه، یکی از مصادیق حسن معاشرت، برآوردن نیاز جنسی همسر است؛ بنابراین، برآورده شدن نیاز جنسی در زندگی مشترک، از حقوق و تکالیف زن و شوهر تلقی شده، از مصادیق حسن معاشرت به شمار می‌رود و در صورت بی‌توجهی به آن، کانون خانواده به مخاطره خواهد افتاد.

نکته‌ی دیگر درباره‌ی ارضای نیازهای جنسی، توجه به تفاوت سلیق جنسی مردان و زنان است. این نکته در دیدگاه اسلام نیز مفروض گرفته شده است و به همین دلیل، اهتمام بیشتری به ارضای جنسی مرد در مقایسه با ارضای زن در روایات دیده می‌شود. این امر به دلیل نیرومندی غریزه‌ی جنسی در مردان است. به همین دلیل، اسلام به زنان مسلمان توصیه می‌کند نیاز جنسی همسر خود را جدی بگیرند و در ارضای این نیاز کوتاهی نورزند.^۴ البته این امر به معنای نادیده انگاشتن نیازهای جنسی زنان نیست. مشهور علمای شیعه معتقدند که مرد باید هر چهار شب، یک شب با زنش در بستر بخوابد تا صبح در کنار او باشد^۵ و مرد حق ندارد بدون رضایت همسرش، از

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۳ «الذ‌الاشیاء مباحضة النساء».

۲. همان، ج ۱۴، ص ۱۰.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۴۴: «حب الی من دنیاکم النساء و الطیب و جعل قره عینی فی الصلاة».

۴. امام صادق ﷺ فرموده است: زنی خدمت رسول خدا ﷺ آمد و پرسید: «حق مرد بر همسرش چیست؟» فرمودند: «آن که زن در خواست او را {برای آمیزش} بپذیرد، حتی اگر بر روی جهاز شتر باشد». کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۰۷.

۵. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۰۳، کتاب النکاح.

نزدیکی با وی در مدت بیشتر از چهار ماه خودداری کند.^۱ همچنین به مردان سفارش شده است مسائل عاطفی و آمادگی زن را در روابط جنسی در نظر بگیرند.^۲

۴. خوش اخلاقی:

اخلاق در استحکام خانواده اهمیت ویژه‌ای برخوردار دارد. منظور از حسن اخلاق در این‌جا، رفتارها و تعامل‌های مناسب در زندگی و سازگاری و مدارا با افراد است، زیرا پایبندی به اصول اخلاقی، نیرومندترین عامل درونی برای کنترل افراد از دست زدن به اعمال غیرانسانی به‌شمار می‌رود. اگر همسران از فضایل اخلاقی مانند صداقت، احترام، گذشت، نرم‌خویی و انصاف بهره‌مند باشند، به سادگی از بسیاری از تنش‌ها، بدرفتاری‌ها و خشونت‌ها و اختلافات ویرانگر مصون خواهند ماند؛ از این رو، اسلام از معیارهای متعدد گزینش همسر، تأکید ویژه‌ای بر حسن خلق فرد نموده است. در حدیث آمده است: شخصی در نامه‌ای به امام رضا ۷ نوشت: «فردی به خواستگاری دخترم آمده که بداخلاق است» امام ۷ در پاسخ فرمودند: «اگر بداخلاق است، دخترت را به او نده.»^۳

در منابع اسلامی، درباره‌ی رعایت حسن خلق در خانواده بسیار سفارش شده است. قرآن کریم به مردان دستور می‌دهد با همسران خود به شایستگی رفتار کنند: «و عاشروهن بالمعروف»^۴ با همسران خود به شایستگی و نیکویی معاشرت نمایید. در برخی از روایات نیز پادشاه‌های معنوی فراوانی برای حسن خلق در خانواده بیان شده است؛ امام صادق ۷ می‌فرماید: «خداوند رحمت کند بنده‌ای را که رابطه‌ی خود و خانواده‌اش را نیکو گرداند»^۵.

۱. همان، ص ۲۴۲، کتاب النکاح.

۲. وسائل‌الشیعه، همان، ج ۲۰، ص ۱۱۹، ابواب مقدمات نکاح: «ثلاثة من الجفا... و مواقة الرجل اهله قبل ملاحظه».

۳. همان، ص ۸۱.

۴. نساء: ۱۹.

۵. وسائل‌الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷۰: «رحم الله عبداً أحسن فیما بینه و بین زوجته».



در بسیاری از روایات نیز بر ویژگی‌های اخلاقی تأثیرگذار بر استحکام خانواده، تأکید ویژه‌ای شده است که از جمله می‌توان به امانت‌داری، پاکدامنی، گذشت، سخاوت و مهربانی و ویژگی‌های منفی مانند حسادت، بخل، ناسپاسی، فحاشی و لجبازی اشاره کرد.^۱ به تجربه دیده شده که نقش اخلاق حسنه در زندگی مشترک به قدری است که حتی با وجود همسانی همسران در بسیاری از مناسبات، ضعف تربیت اخلاقی، به تنهایی، کانون خانواده را به فروپاشی و شکست می‌کشاند. در مقابل، خانواده‌هایی هستند که با وجود ناهمگونی در جهات مختلف، به دلیل پایبندی به موازین اخلاقی، زندگی‌شان از تداوم و انسجام ویژه‌ای برخوردار است.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی، که نقش مهمی در پیش‌گیری از اختلاف و تشنج در کانون خانواده دارد، صبر و بردباری است که به دلیل اهمیت آن، جداگانه به آن پرداخته می‌شود.

شکیبایی و صبر در برابر مشکلات زندگی، لازمه‌ی رویارویی و حل مناسب مشکل است. در صورتی که همسران در برخورد با مسائل مختلف دچار تنش و اضطراب شوند، آسیب‌پذیری آنها بیشتر می‌شود در نتیجه، بروز اختلافات در زمینه‌های مختلف اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. به همین دلیل، صبر از ویژگی‌های همسر مناسب به شمار می‌رود.^۲ صبر نیروی معنوی می‌باشد که فرد می‌تواند با استعانت از آن، در برابر لغزش‌ها یا مشکلات رفتاری همسرش یا شاید کمبودهای مالی و آسیب‌های بدنی تحمل بیشتری داشته باشد و در زمان مناسب واکنش مناسبی بروز دهد. این امر در حل مشکلات و پیش‌گیری از اختلافات بسیار می‌باشد، زیرا بسیار رخ داده است که افراد با واکنش سریع و حساب‌نشده، رفتاری از خود بروز می‌دهند که پس از دقایقی پشیمان می‌شوند.^۳

۱. همان، ج ۲۰، ص ۷۶-۸۴، ابواب ۲۷ - ۳۳ (که شامل صفات حسن و پرهیز از صفات منفی در انتخاب همسر است).

۲. حسن بن ابی‌الحسن دیلمی، /ارشاد/قلوب، ج ۱، ص ۱۹۶: «ثلاثة لا تمسهم النار المرأة المطيعة لزوجها...».

۳. نهج‌البلاغه، حکمت ۴۱۳ «و قال 7 من صَبَرَ الاحرار والاسلأسلوا الاغمار».

در روایات معصومان :، همواره، همسران به صبر و گذشت در برابر مشکلات رفتاری طرف مقابل تشویق شده‌اند، از جمله رسول اکرم ﷺ فرمودند:

هر مردی بر بداخلاقی همسرش صبر نماید، خداوند متعال برای صبر بر هر بد اخلاقی، ثواب صبر ایوب پیامبر ﷺ را در بلا به او عطا می‌فرماید.^۱

۵. مشورت کردن:

از ویژگی‌های خانواده‌ی باثبات و متعالی، توجه به مشورت و کسب توافق در خانواده است. براساس آموزه‌های اسلامی، استفاده از نظرات دیگران و گزینش بهترین راه حل در هر موضوع، مناسب‌ترین شیوه برای تصمیم‌گیری است. قرآن کریم یکی از اوصاف مؤمنان را مشورت در همه‌ی امور زندگی اعلام می‌کند^۲ و حتی به پیامبر اکرم ﷺ، که یگانه منبع اتصال به وحی بودند، توصیه می‌نماید که با مردم مشورت کنند.^۳ در قرآن کریم آمده است:

پس بشارت بده بندگان مرا؛ آنان که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند. آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است و آنها خردمندان‌اند.^۴

بی‌تردید، یکی از مهم‌ترین مواضع، مشورت در اداره‌ی خانواده و حل و فصل اختلافات خانوادگی است. از دیدگاه قرآن، حتی امری جزئی مانند شیر دادن نوزاد یا از شیر گرفتن او باید براساس مشورت و رضایت پدر و مادر کودک باشد.^۵ در آیه‌ای دیگر توصیه شده

۱. وسائل‌الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۶۴.

۲. شورا: ۳۸.

۳. آل عمران: ۱۵۹: «و شاورهم فی الامر».

۴. زمر: ۱۷.

۵. بقره: ۲۳۳.



است امور خانواده از جمله مسائل فرزندان، با مشاوره‌ی شایسته انجام گیرد.^۱ همراهی در امور دیگر خانواده نیز باعث تثبیت روابط مطلوب همسران خواهد شد، زیرا فرد مشورت‌کننده، با جویا شدن نظرات همسر خویش به نوعی شخصیت او را تأیید و حسن اعتماد خود را به وی گوشزد می‌کند. البته مشورت در مسائل مختلف، تنها منحصر به زن و شوهر نیست، بلکه براساس تعالیم اسلام، هر چه کودکان بزرگ‌تر می‌شوند و در بعد شناختی رشد می‌کنند، استفاده از نظرات و افکار آنها ضرورت می‌یابد. در احادیث، هفت سال سوم زندگی کودک، دوران وزارت^۲ او شناخته شده است که به لزوم همفکری و مشورت و استفاده از آرای آنان در مسائل و مشکلات و برنامه‌ریزی‌های مختلف در خانواده اشاره می‌کند.

مشورت با همسر نیز به قدری در کلمات معصومان : دارای اهمیت است که در روایات، بارها، بر جلب رضایت همسر برای همکاری و به‌کارگیری شیوه‌های جلب محبت و رضایت او و اجبار و تحمیل نکردن رأی و ناخشنود ساختن همسر تأکید شده است.

۶. رعایت هنجارهای دینی و اخلاقی:

بینش‌های دینی در کنار مسائل اخلاقی، نقش مهمی در روابط مناسب اعضای خانواده دارد. همان‌گونه که در گزینش همسر، توجه به همانندی نگرش‌های دینی ضروری است، در زندگی نیز اگر زن و شوهر از باورهای دینی مستحکم برخوردار باشند، در تحکیم روابط اعضا مؤثر است و در مقابل، بی‌توجهی برخی خانواده‌ها به این باورها، مشکلات متعددی به دنبال دارد که قرآن کریم از آن به زندگی تنگ و سخت نام می‌برد.^۳ این امر می‌تواند در اثر ترس و اضطراب ناشی از مشکلات باشد، زیرا اعتقادات در زندگی عادی انسان‌ها نقش مهمی دارد و ترک باورهای دینی، آرامش و لذت را از

۱. طلاق: ۶: «وَأَمْروا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ».

۲. «و وزیر سبع سنین»؛ حرعاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۷۶.

۳. «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»؛ طه: ۱۲۴.

زندگی سلب می‌کند و موجب اضطراب، حیرت و حسرت می‌شود، هر چند فرد مزایای مادی خوبی داشته باشد.^۱

باورهای دینی از چند بعد بر خانواده و روابط حاکم بر آن مؤثر است:

الف. تأثیر باورهای دینی بر نوع نگرش به زندگی: باورهای دینی، که مهم‌ترین آنها اعتقاد به خدا و روز قیامت است، سبب می‌شود که فرد به سبب امیدواری و خوش‌بینی به خدا، به سوی خوبی‌ها کشانده شود و محبت به خدا و آفریدگان او، به ویژه انسان‌ها، در دل او جای بگیرد. این امر سبب می‌شود فرد اخلاق نیک و حسنه را در تعامل خود با انسان‌های دیگر رعایت کند. رعایت این نکته در خانواده محبت متقابل را افزایش می‌دهد و رضایتمندی و ثبات خانواده را به دنبال دارد.

ب. تأثیر باورهای دینی در انجام وظایف و پرهیز از تجاوز به حقوق دیگران: باور به خدا و تلاش در کسب رضایت او با انجام فرامین و دستوراتش، همه‌ی رفتارهای انسان را در زندگی خانوادگی جهت‌دار و متعادل می‌کند. تلاش فردی که خدا را همواره ناظر و همراه خود و حتی از رگ گردن به خود نزدیک‌تر می‌بیند،^۲ در برخورد با دیگران، به ویژه اعضای خانواده، که از نزدیک‌ترین افراد به او هستند، همواره، برای جلب رضایت خداست. همچنین باورهای دینی در انجام واجبات و ترک محرمات، از دو جهت به ثبات و استحکام خانواده منجر می‌شود:

نخست: فردی که به خدا و روز قیامت معتقد است، می‌کوشد به همه‌ی دستورهای و فرامین الهی گردن نهد تا به ثواب آخرت دست یابد، زیرا بهشت تنها در سایه‌ی عمل به وظایف به دست می‌آید و کوتاهی در انجام وظایف و مسئولیت‌ها، نتیجه‌ای جز جهنم و عذاب‌های اخروی در پی ندارد. معصومان : نیز در توصیه‌های خود با وعده دادن نعمت‌های بهشتی و بیم دادن از عذاب‌های اخروی، پیروان خود را به انجام وظایف خانوادگی و تجاوز نکردن به حقوق همسر و فرزندان ترغیب کرده‌اند.

۱. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۷، ص ۳۲۷-۳۳۰.

۲. ق: ۱۶.



امام صادق 7 فرمودند:

رحم الله عبداً أحسن فيما بينه وبين زوجته، فإن...^۱

خدا رحمت کند بنده‌ای را که رابطه‌ی خود و همسرش را نیکو

گردانده است.

از پیامبر اکرم 9 نیز درباره‌ی کیفیت اذیت همسر نقل شده است:

هر زنی که همسر خود را با زبان بیازارد، خداوند هیچ کار نیک

او را نمی‌پذیرد تا هنگامی که شوهر خود را از خویش راضی گرداند...

و او نخستین کسی خواهد بود که به جهنم می‌رود؛ این مطلب درباره‌ی

مردی که همسر خود را آزار دهد نیز صادق است.^۲

دوم: بسیاری از گناهان و رذایل اخلاقی ارتباط مستقیمی با زندگی مشترک زن و

شوهر ندارند، ولی به یقین همه‌ی رفتارها و صفاتی که در اسلام گناه شناخته می‌شود،

به روابط زناشویی آسیب می‌رساند، مانند روابط آزاد و اختلاط زن و مرد یا نسبت

ناروای بی‌عفتی به دیگران که به راحتی روابط عاطفی زن و شوهر را خدشه‌دار می‌کند

یا اعتیاد و شراب‌خواری که موجب خشونت و بدرفتاری با دیگران، به ویژه اعضای

خانواده، خواهد شد. همچنین گناهان زبانی مانند غیبت، دروغ و سخن‌چینی که

سبب ایجاد اختلاف در خانواده‌ها می‌گردد. توجه به باورهای دینی و اخلاقی به سبب

بازداشتن افراد از انجام این گناهان، مانع از بروز اختلاف و کاهش محبت میان زن و

شوهرها شده، از فروپاشی و سست شدن بنیان خانواده‌ها پیش‌گیری می‌کند.

۷. تغافل:

تغافل به معنای دیدن عیب و نقص یا بعضی از اشتباهات رفتاری در دیگری و نادیده

۱. حرعاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷۰.

۲. همان، ص ۲۱۲ و بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۴.



انگاشتن آن است. نقطه‌ی مقابل این ویژگی، شتاب‌زدگی در انتقام و مقابله به مثل یا تمسخر می‌باشد. شرایط زندگی مشترک به گونه‌ای است که زن و شوهر بیش از دیگران از حالت‌ها و روحيات یکدیگر آگاه و زودتر از عیوب و ایرادهای یکدیگر باخبر می‌شوند؛ حال اگر در این هنگام، به بازگو نمودن اشتباهات و عیب‌جویی از یکدیگر پردازند، فضای زندگی آنها آکنده از بی‌اعتمادی، بدبینی و خصومت خواهد شد. از سوی دیگر، اگر بزرگ‌منشی و گذشت پیشه کنند و عیب‌پوشی و تغافل را به جای عیب‌جویی برگزینند، بیش از هرچیز کرامت و بزرگواری خود را نمایان کرده، باعث جلب محبت و احترام طرف مقابل و زمینه‌ساز اصلاح عیوب در او خواهند شد. امام علی 7 در ضمن حدیثی فرمودند: «با چشم‌پوشی (تغافل) از چیزهای کوچک، خود را بزرگ کنید و بر قدر و منزلت خویش بیفزایید»^۱.

اصل تغافل و چشم‌پوشی از خطاها در تداوم زندگی مشترک، به اندازه‌ای دارای اهمیت است که بیشترین سفارش اسلام درباره‌ی مسائل خانوادگی، گذشت و چشم‌پوشی زن و شوهر از لغزش‌ها و کج‌خلقی‌های یکدیگر است. اگر زن و شوهر به این اصل بی‌توجه باشند، به زودی جوّ صمیمیت و آسایش حاکم در خانواده، به محیطی آکنده از اضطراب، بدبینی و عیب‌جویی مستمر هر یک از آنها به دیگری تبدیل خواهد شد. خداوند در قرآن کریم سفارش می‌کند که از خطاهای دیگران چشم‌پوشی کنید، بلکه خطای آنان را نادیده بگیرید.^۲

عوامل اجتماعی تحکیم خانواده

۱. ازدواج اختیاری:

به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران اجتماعی، رضایت و توافق طرفین در ازدواج، یکی از عوامل استحکام خانواده است. ازدواج اجباری، پیوند زناشویی رسمی است که در آن،

۱. تحف‌العقول، ص ۲۲۴؛ بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۶۴ و عظموا اقدارکم بالتغافل عن الدنی من الامور». ۲. نور: ۲۲.

رضایت و اراده‌ی زن و مرد یا یکی از آنها نادیده انگاشته و برای برقراری این پیوند، از انواع فشارهای جسمی و روانی استفاده می‌شود.^۱ هر چند در فرهنگ‌های سنتی، اجبار دختر یا بعضاً پسر به ازدواج با ساختارهای خاص آن جوامع همخوانی داشته و گاه حتی بهنجار تلقی می‌شود،^۲ ولی به هر حال باز هم اگر در چنین مواردی اختیار و رضایت زن و مرد در نظر گرفته می‌شد، به یقین، در بسیاری از موارد، خانواده از موفقیت بیشتری برخوردار می‌گشت.

در ازدواج‌های اجباری، که متأسفانه هنوز در بعضی از مناطق جزیی از فرهنگ اجتماعی مردم به شمار می‌رود، به دلیل نبود شبکه‌ی ارتباطی محبت‌آمیز میان زن و شوهر، معمولاً خانواده به کانون درگیری، تضاد و کشمکش بدل می‌شود که می‌تواند پی‌آمدهای ناخوش‌آیند و جبران‌ناپذیری در پی داشته باشد، مانند احساس درک نکردن متقابل، ناتوانی در برقراری ارتباطی سالم و به دنبال آنها، احساس سرخوردگی، به گونه‌ای که تحمل یکدیگر زیر یک سقف برای آنها مشکل بوده، جدایی تنها راه رهایی به نظر خواهد رسید. براساس آمارهای اعلام‌شده در کشور، ازدواج‌های اجباری، عامل ۳۰٪ طلاق‌ها اعلام شده است.^۳

۲. حسن تدبیر در امور اقتصادی و قناعت:

یکی از عوامل مؤثر در ناسازگاری و بروز اختلاف میان زن و شوهر، مسائل اقتصادی است. در مقابل، برخورداری از حداقل تمکن مالی، نقش مهمی در شکل‌گیری و تداوم زندگی مشترک خانوادگی ایفا می‌کند. این نکته در تعالیم اسلامی نیز مورد توجه قرار گرفته و در برخی احادیث، برخورداری مرد از دارایی نسبی جزو معیارهای همسرگزینی

۱. ضمیری، محمدرضا، دختران و ازدواج تحمیلی، فصل‌نامه‌ی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، کتاب زنان، ش ۲۴، ص ۳۲.

۲. بهنام، جمشید و راسخ، شاپور، مقدمه بر جامعه‌شناسی/یران، ص ۱۲۴ - ۱۲۶.

۳. همشهری، ۱۳۸۰/۷/۱۵.



قلمداد شده است. همچنین تأمین نیازهای معیشتی زن (نفقه)، از وظایف الزامی مرد و حق زن بر مرد به شمار آمده، به گونه‌ای که در صورت ادا نکردن این حق یا ناتوانی از آن، زن می‌تواند حق طلاق را به دست آورد.

تحقیقی در ایران نشان داد که از میان متقاضیان طلاق، ۱۲٪ علت درخواست طلاق را مشکل امرار معاش، ۴٪ بیکاری و ۱۱٪ ندادن نفقه اعلام کرده‌اند. ضمناً ۴۹/۶٪ اعلام نموده‌اند که میزان حقوق آنان در زمان طلاق، کفاف زندگی‌شان را نمی‌داده است.^۲ البته تأمین نیازهای ضروری خانواده با زیاده‌خواهی و تجمل‌گرایی متفاوت است؛ امروزه، با گسترش وسائل رفاهی و زمینه‌ی استفاده از امکانات جدید و تجملی، نیازهای کاذبی خانواده‌ها به وجود آمده است، که در گذشته و در خانواده‌های سنتی هیچ نیازی به آن احساس نمی‌شد. از سوی دیگر، به دست آوردن همه‌ی امکانات مادی برای همه‌ی خانواده‌ها میسر نیست. در این مسیر، بسیاری از خانواده‌ها از این رقابت و چشم و هم‌چشمی عقب می‌مانند که این زمینه‌ساز تعارض و کشمکش همسران است. در این هنگام، توقعات مادی زیاد، در خانواده باعث بروز تعارض و اختلاف می‌شود؛ مردی که توان برآوردن خواسته‌های روزافزون خانواده‌اش را نداشته باشد، گاه با تندی واکنش نشان می‌دهد و گاه پایبندی‌اش به خانواده کاهش می‌یابد؛ از این رو، در تعالیم دینی افراد به قناعت و دوری از تجملات سفارش شده‌اند. در فرهنگ اسلامی، کسی که از قناعت برخوردار است، به اندازه‌ای از مواهب مادی رضایت می‌دهد که نیازهای او را برطرف می‌کند^۳ و خود و خانواده‌اش را برای کسب درآمد بیشتر برای نیازهای غیرضروری به زحمت نمی‌اندازد. البته در خانواده به زنان درباره‌ی قناعت و سعی در کم‌توقعی سفارش شده است.^۴ شاید به این دلیل که زنان در مقایسه با مردان توجه بیشتری به تجملات

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۱ و ۵۲.

۲. فرجاد، محمدحسین، آسیب‌شناسی اجتماعی ستیزه‌های خانواده و طلاق، ص ۲۰۸.

۳. کافی، ج ۲، ص ۱۳۹.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۸.

و زیبایی‌های ظاهری دارند و به این علت که معمولاً مرد مسئول معاش خانواده است و در صورت ناتوانی در برآورده ساختن خواسته‌های مالی همسرش بیشتر دچار تنش و فشار روانی خواهد شد.

درک موقعیت خانواده، تشخیص منابع مالی، با شناخت نیازهای ضروری و مدیریت درست در خانواده، سبب ایجاد روحیه‌ی قناعت و پرهیز از فزون خواهی می‌شود. اعضای خانواده نیز برای ایجاد حالت قناعت در خود باید به خانواده‌هایی که از سطح اقتصادی پایین‌تری برخوردارند، توجه نمایند^۱ و روابط خود را بیشتر با این گونه خانواده‌ها تنظیم کنند و درک درستی از طبقه‌ی اجتماعی خویش داشته باشند و مخارج خود را با طبقه‌ای که به آن تعلق دارند، منطبق کنند. البته این امر به معنای سخت‌گیری بر خود و خانواده نیست، زیرا در کنار توصیه‌هایی که در اسلام بر پرهیز از اسراف شده است، مردان نیز سفارش شده‌اند که در صورت توان، وضع مادی همسر و فرزندان خود را بهتر کنند و شرایط رفاهی بیشتری برای آنها فراهم آورند.

۳. مدیریت روابط اجتماعی زنان و مردان:

یکی از مهم‌ترین عواملی که در حفظ و تقویت علائق زناشویی و در نتیجه، تحکیم و تثبیت خانواده نقش اساسی دارد، محدود بودن روابط زن و مرد در عرصه‌ی تعاملات اجتماعی است. اختلاط زن و مرد در حوزه‌های مختلف اجتماعی همراه با ضعف اخلاقیات و رعایت نکردن حریم محرم و نامحرم و امکان برقراری روابط آزاد، باعث ضعف یا نبود انگیزه‌ی لازم برای تشکیل خانواده یا حفظ آن خواهد شد.

بدیهی است که در محیطی که همگان می‌توانند انواع لذت‌های جنسی را از افرادی که در محیط‌های مختلف شغلی، آموزشی، تفریحی و... با آنها در ارتباط هستند، به‌دست‌آورند، احتمال سرد شدن کانون خانواده و بی‌اعتنایی به همسر و مراعات نکردن



حقوق وی به شدت افزایش می‌یابد، زیرا آزادی ارتباطات جنسی بیرون از روابط زناشویی به شیوه‌های گوناگون، جذابیت جنسی از زن و شوهر را برای یکدیگر تقلیل و طلاق را، که با همبستگی جنسی طرفین نسبت معکوس دارد، افزایش می‌دهد.^۱ استاد شهید مرتضی مطهری رحمته می‌نویسد:

فلسفه‌ی پوشش و منع کامیابی جنسی از غیرهمسر مشروع، از نظر اجتماع خانوادگی این است که همسر قانونی شخص، از نظر روانی، عامل خوشبخت کردن او به شمار برود، در حالی که در سیستم آزادی کامیابی، همسر قانونی از نظر روانی، رقیب و مزاحم و زندان‌بان به شمار میرود و در نتیجه، کانون خانوادگی براساس دشمنی و نفرت پایه‌گذاری می‌شود ... (همچنین سیستم روابط آزاد) موجب می‌شود پسران تا جایی که ممکن است، از ازدواج و تشکیل خانواده سر باز زنند و فقط هنگامی که نیروهای جوانی و شور و نشاط آنها رو به ضعف می‌نهد، اقدام به ازدواج کنند و در این موقع، زن را فقط برای فرزند زادن و احياناً برای خدمتکاری بخواهند.^۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۴. کنترل طلاق:

به طور معمول، در جوامعی که به دلایل فرهنگی، اجتماعی یا مذهبی نگاه خوش‌آیندی به طلاق وجود ندارد، میزان طلاق نیز به حداقل ممکن می‌رسد. البته نقش محدودیت‌های قانونی را در طلاق نیز نمی‌توان نادیده گرفت. در جوامع سنتی، محدودیت‌های فرهنگی طلاق مانند قبح طلاق در افکار عمومی و کاهش موقعیت

۱. مصباح یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ، ص ۳۲۶.

۲. مطهری، مرتضی، مسئله‌ی حجاب، ص ۸۸.

اجتماعی فرد پس از طلاق و حتی در مواردی طرد اجتماعی و انزوای حاصل از آن، به نوعی باعث تثبیت و تحکیم خانواده می‌شد. در مقابل، با تبدیل شدن جوامع سنتی به جوامع صنعتی و کاسته شدن قبح طلاق، آمار طلاق نیز افزایش یافت.

یکی از راهکارهای اسلام نیز در کاهش آمار طلاق، ایجاد نگرش منفی به آن است. روایات اسلامی طلاق را پدیده‌ای منفور و مبعوض معرفی کرده‌اند، مانند «هیچ چیز در نزد خداوند ناپسندتر از خانواده‌ای نیست که به وسیله‌ی طلاق از هم پاشیده شود»^۱.

۵. حمایت دولت از خانواده:

حمایت دولت و حکومت از خانواده نیز باید از ابعاد مختلف مورد توجه قرار گیرد. مهم‌ترین اقسام حمایت حکومت از خانواده عبارت‌اند از: حمایت اقتصادی، آموزشی و فرهنگی و قانونی.

در حمایت اقتصادی، برنامه‌های دولت برای سامان‌دهی عمومی اقتصاد، مانند حل مشکل بیکاری، مهار تورم و...، که به طور مستقیم آثار نامطلوبی بر ثبات خانواده دارد، می‌تواند تا حدود زیادی مؤثر واقع شود.

حمایت قانونی نیز دارای جنبه‌های متعددی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر استحکام خانواده تأثیرگذار می‌باشد. «بخشی از مشکلات زناشویی می‌تواند ریشه در کاستی‌های قانون‌گذاری داشته باشد؛ برای نمونه، تساهل بیش از اندازه‌ی دادگاه‌های خانواده در غرب در پذیرش درخواست طلاق، از جمله عواملی است که در افزایش میزان طلاق مؤثر بوده‌اند. البته چون قوانین مدنی کشور ایران برگرفته از فقه اسلامی است، می‌توان گفت کاستی‌های قانونی، سهم عمده‌ای در اختلالات خانوادگی ندارند»^۲. همچنین کارآمدی دستگاه پلیس و نظام قضایی در رسیدگی به شکایات و تخلفات

۱. «ما من شیء احب الی الله عزوجل من بیت یعمرفی الاسلام بالنکاح و ما من شیء ابغض الی الله عزوجل

یخرب فی الاسلام بالفرقه یعنی الطلاق»، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۶.

۲. بستان، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۲۱۹.

و کنترل روابط جنسی ناسالم در اجتماع و اجرای حدود الهی و برخورد قاطع با بی‌بندوباری نیز زیر مجموعه‌ی حمایت‌های قانونی حکومت از خانواده به شمار می‌رود.

نتیجه

اسلام، مجموعه‌ای منسجم و هماهنگ است که با توجه به شرایط و ملزومات انسان و جامعه و جهان، به نیازهای بشر پاسخ می‌دهد، ولی به شرطی که خود انسان برای رفع نیازهای خود و مشکلاتش در پی راهکارهای دینی باشد و در این راه از شناخت و نگرش کلان به دین و شریعت غفلت نرزد؛ برای نمونه، ما در این نوشتار در پی بررسی عوامل استحکام خانواده هستیم، ولی هرگز نمی‌توانیم بدون در نظر گرفتن حقوق و احکامی که روابط اجتماعی و رفتارهای فردی و خانوادگی زن و مرد را مشخص می‌کند و نیز بدون در نظر گرفتن جایگاه و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی هر کدام از آنان در شریعت، این عوامل را مورد بحث قرار دهیم؛ بنابراین، زمانی می‌توانیم به این هدف آرمانی، یعنی وجود خانواده‌هایی در کمال سلامت و استواری، دست یابیم که به همه‌ی پیام‌ها و توصیه‌های دینی در تربیت انسان عمل کنیم، زیرا انسان کامل و تحت تربیت آموزه‌های قرآنی -در هر مکان و زمانی که باشد- حقوق و وظایف خود و دیگران را در نظر می‌گیرد. یکی از اساسی‌ترین جایگاه‌های حضور انسان در عرصه‌ی زندگی، خانواده است که مهم‌ترین مهد تربیت انسان‌ها به شمار می‌رود. برای سالم‌سازی روابط در این کانون، نخستین اعضای آن، یعنی زن و شوهر، باید از مهارت‌های لازم برای ایجاد روابط سالم و حفظ کانون خانواده از هر موضوعی که کیان آن را به خطر افکند، برخوردار باشند. اسلام، که جامع‌ترین برنامه‌ی هدایت بشر است، از این بعد مهم زندگی انسان غفلت ننموده و قوانینی برای حفظ و استواری خانواده قرار داده است. با آغاز زندگی زناشویی و تشکیل کانون خانواده، زن و شوهر عهده‌دار تعهداتی حقوقی، اخلاقی و اقتصادی نسبت به یکدیگر می‌شوند. این تعهدات دوسویه است، یعنی همانطور که هر



یک وظایفی نسبت به دیگری برعهده می‌گیرد، دارای حقوقی نیز می‌شود که همسر موظف به ادای آن حقوق است. در تفکر اسلامی، زن و مرد رابطه‌ای متقابل دارند و هر یک موظف به انجام تکالیف خود و رعایت حقوق دیگری هستند و در این مسیر نه با هم کاملاً برابرند و نه کاملاً مستقل از یکدیگرند، بلکه آنها مکمل یکدیگر هستند، نه دو قطب مخالفی که وجود هر یک، عرصه را بر دیگری تنگ می‌کند و به ناچار یکی باید حذف شود یا تسلیم دیگری باشد، به این معنا که وظایف و مسئولیت‌های آنها در خانواده به طور کامل شبیه به یکدیگر نیست، یعنی زن و مرد نیازهای متقابلی دارند که هر یک از آنها توانایی لازم را برای رفع نیاز و نقص طرف مقابل داراست. قرآن کریم از این رابطه‌ی دوسویه به عنوان زوجیت یاد می‌کند که باعث قرار و آرامش و جذب متقابل است؛ «و أنه خلق الزوجین الذکر و الاثنی»^۱.

اسلام با توجه به اهتمام ویژه‌ای که به خانواده دارد، برای حفظ بنای خانواده، به بیان احکام و اصولی پرداخته است؛ احکامی مانند حجاب و محدودیت روابط زن و مرد، رعایت اصل معروف در معاشرت‌ها، مسائل اخلاقی مانند صبر و بردباری، گذشت، رعایت حقوق دیگران و... از لوازم حفظ خانواده است، ولی کارایی این اصول در خانواده و دیدن نتایج رضایت‌بخش آن در خانواده، در گرو نهادینه کردن این امور و رفتارها در اعضای آن است. باز هم رسیدن به این هدف، در گرو آموزش در خانواده‌ها می‌باشد تا فرزندان اصول و مبانی خوب زیستن و تعامل با همسر را در خانواده‌ی آینده خود آموزش ببینند. همانطور که گذشت، این امر تنها به آموزش مجموعه‌ی احکام و تکالیف خانواده خلاصه نمی‌شود، بلکه با در نظر گرفتن تمام اوامر و نواهی اصولی قرآن و داشتن تربیت کامل، می‌توان به این هدف دست یافت؛ برای نمونه، باور به زندگی پس از مرگ و حسابرسی اعمال، نقش مهمی در تقویت خانواده دارد. منشأ بسیاری از مشکلات خانواده‌ها، رفتارهای ناخوش‌آیندی مانند پایمال کردن حقوق طرف مقابل و

تحمیل فشار به دیگران و نپذیرفتن مسئولیت‌هاست که اعتقاد به زندگی پس از مرگ، در بازداری افراد به انجام این اعمال بسیار مؤثر می‌باشد. پس از خانواده‌ها، دولت با استفاده از تربیون‌هایی که برای گفت‌وگو و فرهنگ‌سازی در جامعه در دست دارد، می‌تواند این اصول را در جامعه نهادینه سازد. بی‌تردید، سلامت هر جامعه، در گرو سلامت خانواده‌های آن جامعه است و تلاش دولتمردان هر جامعه در این راه، کمک به بقای و استواری آن اجتماع است.



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آذربایجانی، مسعود و دیگران، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع دینی.
۴. بستان، حسین، نابرابری جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ش.
۵. همان، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸ش.
۶. بهنام، جمشید و راسخ، شاپور، مقدمه بر جامعه‌شناسی ایران، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۴۸ش.
۷. حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، قم، آل‌البیت، ۱۴۰۹ق.
۸. الحرانی، حسن بن علی بن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، قم، مؤسسه‌ی انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۹. دیلمی، حسن بن ابی‌الحسن، ارشاد القلوب، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
۱۰. زمخشری، محمودبن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب القری، ۱۴۰۷ق.
۱۱. ساروخانی، باقر، طلاق پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰ش.
۱۲. ضمیری، محمدرضا، دختران و ازدواج تحمیلی، فصل‌نامه‌ی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، کتاب زنان، ش ۲۴، ص ۳۲.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین، تفسیرالمیزان، قم، انتشارات جامعه‌ی مدرسین، ۱۳۷۴ش.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن، بیروت: دارالمعرفه، ۱۹۸۸م.
۱۵. فرجاد، محمدحسین، آسیب‌شناسی اجتماعی ستیزه‌های خانواده و طلاق، تهران، نشر منصور، ۱۳۷۲ش.
۱۶. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ش.
۱۷. کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۱۸. مطهری، مرتضی، مسئله‌ی حجاب، قم، انتشارات جامعه‌ی مدرسین، ۱۳۶۱ش.
۱۹. همان، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدا، ۱۳۷۶ش.
۲۰. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، موسسه‌ی الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۹ش.

۲۲. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.

۲۳. امام خمینی، تحریر الوسیله.

۲۴. مینوچین، سالوادور، خانواده و خانواده‌درمانی، ترجمه‌ی ثنایی، باقر، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۵ ش.



مگرا

فصل نهمادای در عرصه مطالعات زنان و خانواده



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

